

عنوان مقاله:

نقد عقل مدرن با رویکردی زنانه نگر

محل انتشار:

دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی، دوره 8، شماره 2 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

مریم صانع پور - استادیار گروه تاریخ و تمدن غرب، پژوهشکده غربشناسی و علمپژوهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران

خلاصه مقاله:

عقل انسانیه عنوان وجه تمایز وی از حیوانات، اصلی ترین عامل شکل دهنده تمدن بشری بوده است و محرومیت از عقل به منزله محرومیت از حضور در فرآیند تمدن بشری تلقی می شود. در اسطوره های یونان باستان یعنی اولین زمینه های فرهنگی غرب زنان موجوداتی غیرعقلانی و احساسی توصیف می شدند. این طرز تلقی با فیثاغوریانکه بنیانگذاران فلسفهیونان بودند ادامه یافت و سپس در تاریخ فلسفه غرب تا دوره روشنگری پیش رفت. به این ترتیب حوزه اجتماعی دوره روشنگری به مردان، و حوزه خانوادگی به زنان اختصاص یافت و عقل مردانه یکه تاز عرصه تمدن شد. با تولد و گسترش جنبش های فمینیستی فیلسوفان زنانه نگر پا به عرصه تفکر گذاشته اند و عقل مردمحور مدرن را مورد نقادی قرار داده اند. ایشان به بازخوانی تفکر فلسفی پرداخته اند تا زنان را از حاشیه به متن حیات انسانی وارد کنند و با ورود عقل مادرانه به نظریه پردازی ها و سیاستگذاری های اجتماعی، مهربانی و صلح را به جامعه بشری بازگردانند. در این مقاله پس از تحلیل عقل مذکر و نقادی آن توسط فیلسوفان زنانه نگر راهکارهای نظریه پردازان فمینیست تحلیل و ارزیابی می شود، و در نهایت معیارهایی برای عقلانیتارائه می شود که از آسیب دوگانه انگاری انسان ها به عنوان سوژه / ابژه، من / دیگری، اصلی / فرعی، در امان باشد و طرحی همدلانه برای حیات انسان دراندازد.

کلمات کلیدی:

عقل مردانه، عقل زنانه، اسطوره یونانی، فلسفه یونانی، مدرنیته، فمینیسم، مادرانگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1188783>

